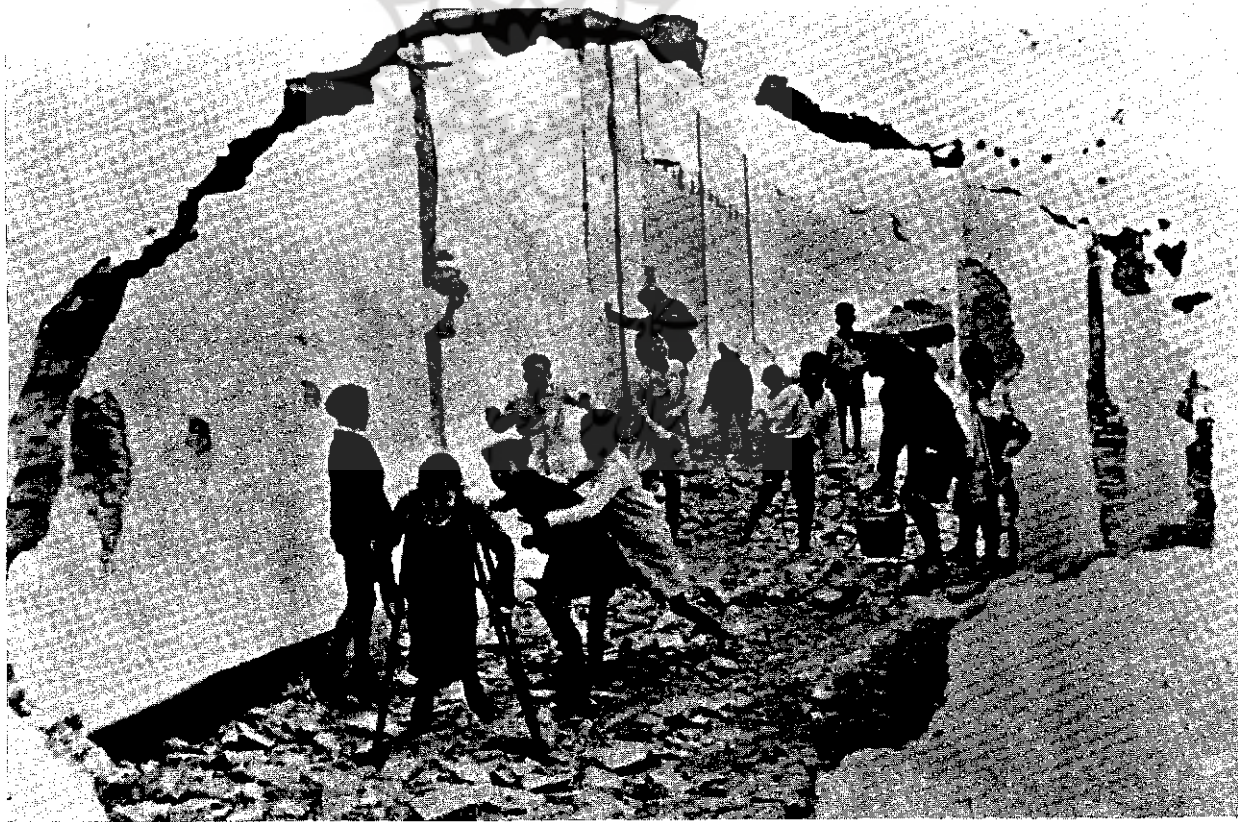


عکاسی

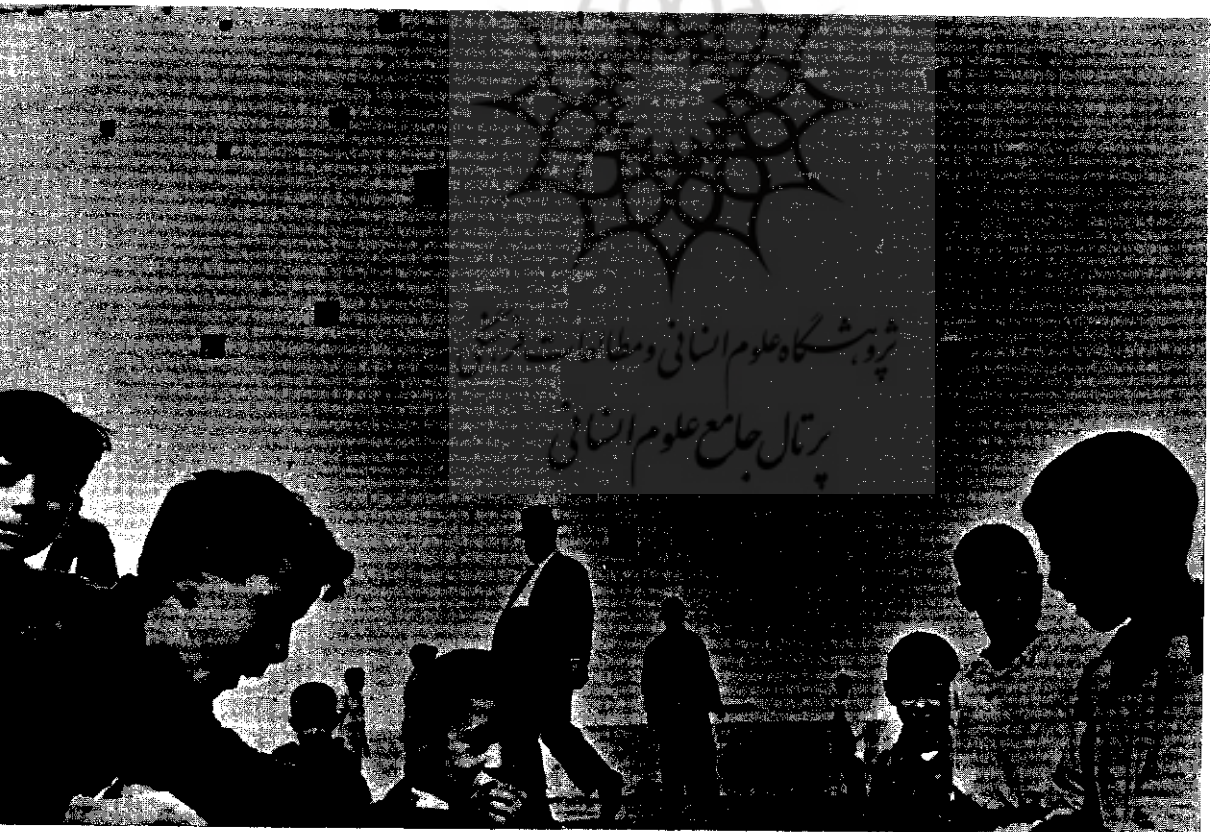
# عکاس لحظه های قاطع

هنرمندی گارثیه - پرسون



● هانری کارتیه-برسون یکی از درخشان‌ترین چهره‌های عکاسی معاصر دنیاست. او خالق شماری از گویاترین و ماندنی‌ترین تصویرهای عکاسی قرن بیستم است - تصویرهایی که در تثبیت و معرفی عکاسی بعنوان یک فرم هنری نقش عمده و ارزنده‌ای داشته‌اند. او همه چیز را به همان صورت که هست نشان می‌دهد. با عکس‌های تدارک یافته و زمینه‌چینی قبلی میانه خوشی ندارد و تصویرهایش را دست نخورده باقی می‌گذارد. اما عکس‌های او صرفاً تصویری تصادفی از جهان نیستند. این عکس‌ها چه ناگهانی و خود انگیخته باشند و چه نباشند، به بصیرتی غنی و دیدی تیزمتکی‌اند.

هانری کارتیه-برسون در ۱۲۲ و ۱۹۰۸ در شانتلو - که با پاریس فاصله چندانی ندارد - متولد شد و همانجا به مدرسه رفت. در سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ در پاریس نزد آندره لوت، هنرمند و منتقدی که با جنبش کوبیسم ارتباط داشت، تعلیم دید. لوت بذر علاقه‌ای نسبت به نقاشی در نهادش کاشت که در تمام زندگی با او بود و عامل تعیین‌کننده‌ای در تجربه‌های هنری‌اش بشمار می‌رفت. کارتیه - برسون در ۱۹۲۹ به کمبریج رفت و آنجا ادبیات و نقاشی آموخت. کارتیه-برسون از کودکی به دستگاه اسر آمیزی که به دوربین عکاسی موسوم است تعلق خاطر عمیقی داشت. اما اولین گرایش جدی او نسبت به این وسیله در حوالی ۱۹۳۰ ظهور کرد - پس از دیدن کارهای دو عکاس عمده قرن بیستم: اوزن آرتز و من ری. در ۱۹۳۱ به آفریقا رفت، مدتی آنجا ماند و



تجربه‌های خود را با دوربینش روایت کرد. بیمار شد و ناچار به فرانسه بازگشت. در ۱۹۳۳ اولین دوربین ۳۵ میلیمتری‌اش را خرید. بدست آوردن دوربین کوچک قابل حملی که می‌توانست تصویرهای آنی را به‌سهولت ثبت کند برای او واقعه‌ی مهمی بود. استفاده از این دوربین بویژه برای کارتیبه-برسون بجا بود. چون این دوربین به او امکان می‌داد که هم تصویرهای آنی را ثبت کند و هم ناشناخته بماند. کارتیبه-برسون آنقدر دلش می‌خواست شاهد بی‌سروصدا و حتی ناپیدایی باشد که قسمت‌های نقره‌ای دوربینش را هم با نوار مشکی می‌پوشاند تا هر چه کمتر قابل رویت باشد و گاهی دوربینش را زیر شالی پنهان می‌کرد. این مرد در زندگی و در کارش به یک اندازه خوددار بود.

کارتیبه-برسون، در بیش از چهل سال کار عکاسی، بطور مرتب به کشورهای مختلف دنیا سفر می‌کرد. اما آشکارا ترجیح می‌داد در هر کشوری مدتی بماند تا بتواند محیط را خوب بشناسد. در ۱۹۳۷ ازدواج کرد و در همان سال فیلم مستندی ساخت براساس امداد پزشکی در جنگ داخلی اسپانیا. از همین زمان، اولین عکس‌های خیریش را برای روزنامه‌ها و مجلات فرستاد. از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ دستیار ژان رنوار در ساختن فیلم‌های «پیک نیک» و «قوانین بازی» بود. بعنوان عکاس، خودش را نسبت به فیلم‌های خوبی که در جوانی دیده بود مدیون احساس می‌کرد. می‌گفت که این فیلم‌ها به او یاد داده بودند که چطور باید دقیقاً یک لحظه و یک نقطه نظر گویا را انتخاب کرد. اهمیتی که به تصویرهای پیوسته در عکاسی می‌داد شاید ناشی از همین تعلق خاطر او نسبت به فیلم بود.



کارتیه-برسون در ۱۹۴۰، در جریان جنگ دوم جهانی، بدست آلمان‌ها اسیر شد. در ۱۹۴۳ فرار کرد و در سال بعد در یک واحد عکاسی زیرزمینی که مأموریت داشت گزارشی از اشغال و عقب‌نشینی آلمان‌ها تهیه کند شرکت کرد. در ۱۹۴۵ فیلمی ساخت بنام «بازگشت» درباره بازگشت زندانیان جنگی و تبعیدیان فرانسوی به وطن.

عکس‌های کارتیه-برسون یکبار در سال ۱۹۳۳ در گالری «جولین له‌وی» نیویورک بمعرض نمایش گذاشته شده بود، ولی در ۱۹۴۷ مورد توجه بیشتری قرار گرفت و یک نمایشگاه تک‌نفره از آثار او در موزه هنر مدرن آن شهر برگزار شد.

در همان سال، کارتیه-برسون همراه با رابرت کاپا، عکاس آمریکایی، و چند تن دیگر آژانس تعاونی عکس را که بنام «مگنوم» معروف است ایجاد کردند. این سازمان عکس‌های تواناترین عکاسان خبری زمان را در اختیار مطبوعات فرار می‌داد. پس از شروع فعالیت‌های آژانس «مگنوم»، کارتیه-برسون بیش از پیش به عکاسی خبری رو آورد. در سه سال بعد به هند، چین، اندونزی و مصر سفر کرد. تجربیات این سفرها و تجربیاتی که در دهه ۱۹۵۰ در اروپا داشت موضوع چندین کتابی بود که از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵ منتشر کرد. این کتاب‌ها اشتها کارتیه-برسون را بعنوان یک استاد مسلم تثبیت کرد. عنوان یکی از این کتاب‌ها، که شاید معروف‌ترین آنها هم باشد، «لحظه قاطع»، دریافت روشن این هنرمند را از مفهوم، فن و کاربرد عکاسی نشان می‌دهد. وبه ایده اصلی کار او دلالت دارد. لحظه قاطع همان دم‌گریزانی است که عینیت موضوع را در آشکارترین حالت



خود نشان می دهد.

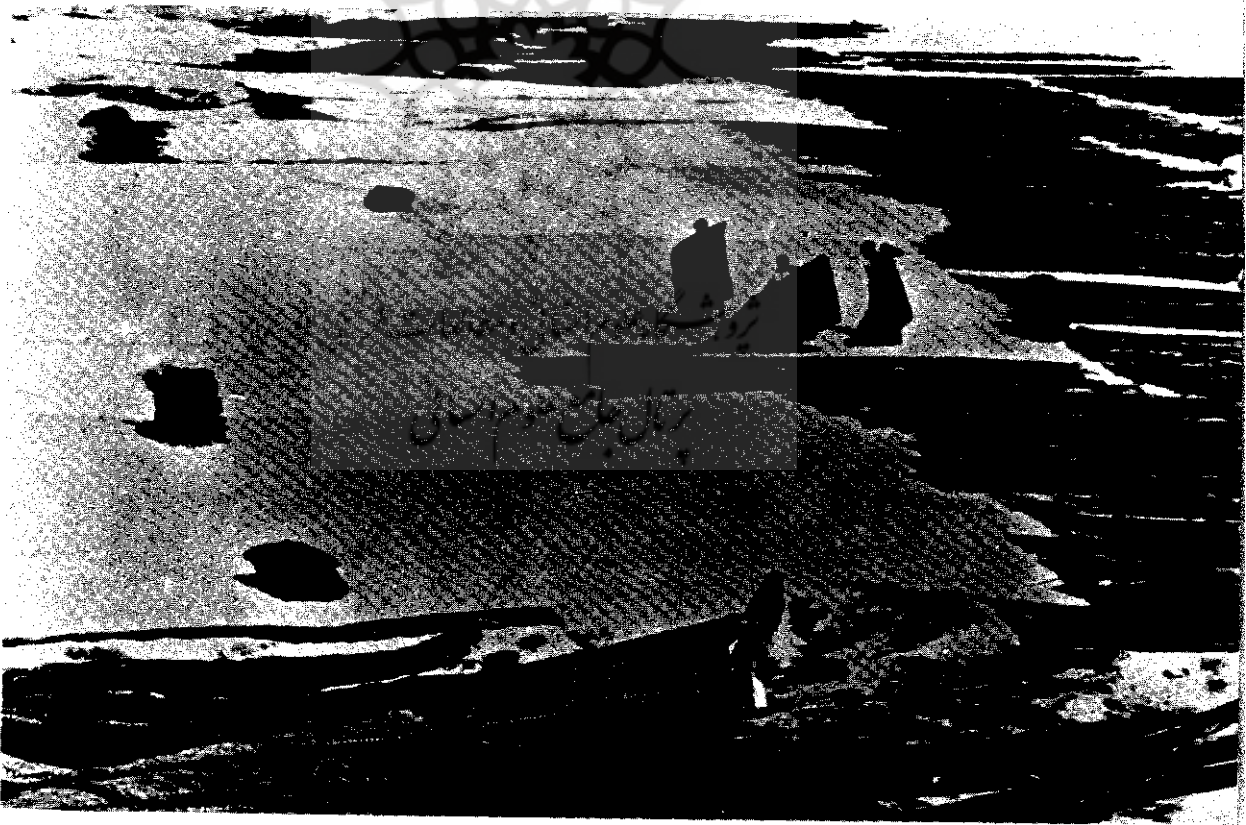
در ۱۹۵۵ نمایشگاهی از ۴۰۰ تا از عکس های او را که مربوط به وقایع سالهای گذشته بود در موزه هنرهای تزئینی پاریس و در اروپا، ایالات متحده و ژاپن برگزار کردند و سرانجام این عکس ها به کتابخانه ملی پاریس سپرده شد.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، کارتیه-برسون همچنان در پاریس زندگی می کرد و سفرهای متعددی به خارج انجام می داد. در ۱۹۶۳ در کوبا عکس می گرفت؛ در ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ در مکزیک بود و در ۱۹۶۵ در هند. در جریان جنبش دانشجویی پاریس در مه ۱۹۶۸، کارتیه-برسون با دوربین ۳۵ میلیمتری اش حضور داشت. بنظر کارتیه-برسون، در دوربین نوعی پیام اجتماعی نهفته است و عکاسی وسیله ای است برای ثبت جهانی واقعی و انسانی در دورانی پر آشوب.

«هنر عکاسی از آغاز پیدایش خود تا کنون هیچ تغییری نکرده، الا از نظر فنی، که آن هم بنظر من اهمیت

چندانی ندارد.»

عکاسی ظاهراً کار ساده ای بنظر می رسد، ولی در واقع کار متنوع و پیچیده ای است و تنها وجه مشترک میان دست اندرکاران این هنر همانا وسیله کار آنان است. آنچه که از دل این دستگاه گزارشگر درمی آید، نمی تواند از مقتضیات اجتماعی جهان آلوده و پر جنب و جوشی که به گونه ای غیر معقول توسعه می یابد بگریزد.



من به عکاسی «مصنوع» یا صحنه جعل شده علاقه‌ای ندارم. و اگر بخواهم قضاوتی بکنم، ترجیح می‌دهم این کار را از نظر روانشناسی و جامعه‌شناسی انجام دهم. کسانی هستند که عکس‌های از پیش مهیا شده می‌گیرند و کسانی هستند که بدنبال کشف و ضبط تصویرها می‌روند. دوربین عکاسی برای من بمنزله دفترچه طراحی ست، وسیله دریافت و خودانگیزی ست و اختیاردار لحظه‌ای است که - بمفهوم تصویری عبارت - در عین حال پرسشی مطرح می‌کند و جواب می‌گوید.

برای این که به جهان مفهومی ببخشم، باید خودمان را در متن تصویری که ارائه می‌دهیم احساس کنیم. این حالت به تمرکز، نظم ذهنی، حساسیت و درک هندسی نیاز دارد. عکاسی باید عکس‌هایش را در عین عمیق‌ترین دل‌بستگی نسبت به موضوع و خودش بگیرد.

عکس گرفتن یعنی ثبت لحظه‌ای که در آن همه عناصر بصورت واقعیتهای قرار گرد می‌آیند. در چنین لحظه‌ای ست که ضبط یک تصویر به لذت عینی و ذهنی بزرگی بدل می‌شود.

عکس گرفتن یعنی تشخیص خود واقعیت و ساختن اشکالی قابل رؤیتی که به آن معنا می‌بخشند در یک زمان و در کمتر از یک ثانیه. یعنی قرار دادن سر، چشم و قلب در یک راستا.

عکس گرفتن وسیله تفاهمی است که نمی‌تواند از وسایل دیگر بیان تصویری جدا باشد. نوعی فریاد کشیدن و آزاد ساختن خویش است، نه اثبات با تأکید اصالت خویش. نوعی زندگی ست.»



• برگرفته از دائرة المعارف بریتانیکا.

•• برگرفته از کتاب «هانری کارتییه-برسون». اولین کتاب از سلسله کتابهای «تاریخ عکاسی» که در ۱۹۷۶ بوسیله انتشارات «فریزر» لندن چاپ شد.





پرو، بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



